

وضعیت سیاسی ایران پیش از جنگ

محمدجواد اکبرپوربازرگانی

پژوهشگر تاریخ جنگ ایران و عراق



با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و روی کار آمدن دولت موقت، تلاش برای جایگزین کردن نظم جدید آغاز شد، اما اوضاع سیاسی ایران همچنان بی ثبات بود. از یک طرف سلطنت‌طلب‌ها و نیروهای امنیتی و نظامی به جامانده از رژیم شاهنشاهی به مخالفت با نظام انقلابی می‌پرداختند و از طرف دیگر، برخی گروه‌های سیاسی با تحریک و کمک بیگانگان، در مناطق مرزی به اختلافات داخلی دامن می‌زدند و خواهان تجزیه ایران بودند و برخی مانند کمونیست‌ها، جبهه‌ملی، حزب خلق مسلمان و سازمان مجاهدین خلق (مقاتلین) خواهان براندازی نظام تازه تأسیس بودند. از سوی دیگر، اختلافات دولت موقت با نیروهای خط امام (ره) به تدریج تشدید می‌شد تا آنکه سرانجام اشغال سفارت آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام (ره) در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ باعث سقوط دولت موقت شد. با سقوط دولت موقت، شورای انقلاب به فرمان امام خمینی (ره) زمام امور را در دست گرفت. از جمله اقدامات شورای انقلاب در این دوره، اجرای همه‌پرسی عمومی و تصویب قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. اولین رئیس‌جمهور ایران در ۸ بهمن ۱۳۵۸ انتخاب و با شروع به کار مجلس شورای اسلامی در تیر ۱۳۵۹ زمینه‌های تشکیل هیئت دولت فراهم شد.

مجلس اول در تابستان ۱۳۵۹ با ۲ موضوع اساسی رویه‌ور بود: یکی چگونگی حل مسئله گروگان‌ها و دیگری رأی اعتماد به نخست‌وزیر و کابینه درباره گروگان‌ها، لیبرال‌ها مانند گذشته، آن را موجب خدشه دار شدن هویت انقلاب و کشور و مغایر با حقوق بین‌الملل می‌دانستند. در حالی که پیروان خط امام (ره) در این باره مخالف هر گونه مذاکره‌ای بودند. این موضع‌گیری‌ها آغاز تحول در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران بود، به‌طوری‌که برخی معتقدند یکی از علل اساسی و زمینه‌ساز اقدام آمریکا در تحمیل جنگ به ایران به شمار می‌رود.

انتخاب نخست‌وزیر از جمله مسائلی بود که کشمکش نیروهای خط امام (ره) با لیبرال‌ها را تشدید کرد. ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت، و مجلس شورای اسلامی مدت‌ها برای انتخاب نخست‌وزیر اختلاف داشتند. مجلس به نخست‌وزیر پیشنهادی وی رأی اعتماد نمی‌داد تا در نهایت محمدعلی رجایی فردی که از سوی حزب جمهوری اسلامی حمایت می‌شد، از طرف رئیس‌جمهور به مجلس معرفی شد. مجلس شورای اسلامی نیز در ۲۰ مرداد ۱۳۵۹ به آقای رجایی رأی اعتماد داد، اما کارکنی رئیس‌جمهور در معرفی وزیران، پیشرفت کار دولت را با وقفه و مشکل روبه‌رو کرد. این مشکلات علاوه بر دامن زدن به اختلافات داخلی، باعث کندی کار دولت می‌شد که این مسئله نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی در تصور غلط صدام از اوضاع داخلی ایران و ترغیب وی به تسریع در شروع جنگ علیه ایران قلمداد شده است.



متخصص و متعهد شوید تا خودکفا شوید

مجید ایافت [شهید عباس ولی نژاد متولد ۴ آذر ۱۳۳۷ در پیرانشهر، به واسطه مأموریت‌های پدر نظامی‌اش ساکن مشهد شد. او بعد از انقلاب و پیوستن به سپاه، بسیج نیروی تکاوران اسلام را همراه خودش دیگر تشکیل داد. آمادگی جسمانی و توان مدیریت سبب شد که محمود کاوه از او خواهد به کردستان بیاید و فرماندهی گردان‌های تیب ویژه شهدا را عهده‌دار شود. او در آبان ۱۳۶۱ که معاونت طرح عملیات تیب ویژه شهدا را بر عهده داشت، به آرزوی دیرینه‌اش رسید. وصیت‌نامه این شهید نکات آموزنده‌ای دارد که مرورش در ستون یادگاران خالی از لطف و فایده نیست.

سلام به مادر مهربانم، سلاما مرا بپذیر و حلالم کن. مادر مهربان، امیدوارم که با شنیدن خبر شهادت من افتخار کنید، افتخار به اینکه یکی از فرزندان‌تان را در راه خدا داده‌اید و بدانید پدرمادری که در راه خدا چنین گذشت‌هایی کنند و با شهامت باشند و استقامت کنند، رستگارند و شما مادر، چون زهرا(س) باشید و فرزندان‌تان چون حسن (ع) و حسین(ع) و زینب(س) باشند. شما برادران و خواهرانم سعی کنید بیشتر در درس بخوانید تا به مراحل عالی برسید و بدانید که انقلاب به افراد متخصص، متعهد و مکتبی نیاز دارد تا بتوانیم خودکفا شویم و انقلاب را در سراسر جهان توسعه دهیم. برای رضای خداوند و برای دین پاک اسلام، برای من گریه نکنید و اصلا دل‌تان برای من نسوزد. خداوند، مرا در یاری به اسلام عزیز کمک کن تا دین خویش را ادا کنم. خداوند، در موقعیتی واقع شده‌ام و در این جبهه آزمایش مناسب است که امیدوارم سربلند باشم. خداوند، تو می‌دانی که من بسیار ضعیف‌تر از آنم که بتوانم خدمتی به اسلام کنم، اما جسمی ناتوان در اختیار دارم که البته در اختیار توست و آن را در راه تو پروردگار بزرگ و دادگر قربانی خواهد کرد. پس مرا در کارهایم موفق بدار. در مجلس ختم من شیرینی بدهید و برای دیگر عناوین پولی خرج نکنید، اگر خواستید پولی خرج کنید، مبلغ آن را به حساب جبهه‌های جنگ بریزید.



روزنامه
شهرامید
وزشنگی

شنبه
۱۳ بهمن ۱۳۹۹
شماره: ۳۳۱۶

۱۳



بلاک سرچ



ذره‌ای که به آسمان رفت و کار آفتاب کرد

...معبودم! تو می‌خواهم که هنگام جان دادن، مرا مشمول ای‌های که بر زبان دوست جاری کرده‌ای قرار دهی که «اللهم ارزقنا الشهادة خالصا فی سبیلک تحت رایه نیک مع اولیائک»

شب اربعین بود که در عالم رؤیا، امام عزیزم، حضرت مهدی (عج)، را دیدم. در حالی که لباسی یکدست سیاه پوشیدند. انگار که از قبل ایشان را می‌شناختم. به حضورشان رفتم و ایشان هدیه‌ای به من دادند. یک دفعه از خواب بیدار شدم. آن شب تا صبح از خوش حالی گاهی می‌خندیدم و گاهی گریه می‌کردم. خوش حال بودم از اینکه با کفتران نعمت و گناهان زیاد و خیانت‌هایی که مرتکب شده‌ام، باز هم ایشان به یاد من بودند. مغرور شده بودم که با وجود این همه غفلت، از ایشان هدیه دریافت کرده‌ام. من نمی‌دانم هدیه‌ام چه بود، ولی می‌دانم هر چه از دوست‌رسد نیکوست، به‌ویژه اگر این هدیه فیض شهادت باشد. شهادتی که آن عزیز بزرگ و آن حاضر غایب عطا کرده باشد، حتماً مقبول درگاه خدای تبارک و تعالی نیز هست. زیرا:

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند
به آسمان رود و کار آفتاب کند
و من نمی‌دانم چگونه احساسم را در باره این معراج یا شمار در میان بگذارم همه شما را به خدای سبحان می‌سپارم و برایتان ایمان را سخ همراه با خلوص نیت آرزو می‌کنم. در ضمن به علت وضع اضطراری که بیشتر اوقات در جبهه‌ها داشتم، نمازهایم را شکسته یا با پوتین یا با لباس خون‌آلود می‌خواندم و فرصت قضای آن برایم به وجود نیامد. لطفاً این مدت را برایم نماز بخوانید.

وصیت‌نامه بنده خدا، حسن خوراکیان، ۱۶ دی ۱۳۵۹، آبادان.

درنگ

سال هاست که در آمد چاه موقوفه شهید خوراکیان در این جهت صرف می‌شود.»



از جانب خدا می‌دانست و یکسره از شهادت دو روز من خودم نزد برادر انفرادی رفته و با او صحبت کردم و درباره این قضیه سؤال کردم و آن بزرگوار گفتند: آقای خوراکیان فردی است محروم دوست، مردم‌دوست اگر در پشت خط باشد و در عملیات شرکت نکند به درد انقلاب و مردم محروم و مستضعف بیشتر می‌خورد. من به این دلیل گفتم که در این عملیات شرکت نکند و بماند. سرانجام با واسطه آقای اکبری که فرمانده گروهان بود، آقای انفرادی راضی شد که مجتبی در عملیات شرکت کند. همین که این خبر به مجتبی رسید از خوش حالی در پوست خود نمی‌گنجید. شب قبل از عملیات دعای توسل بر گزار شد. مجتبی بسیار شکرگزار می‌کرد و اشک می‌ریخت و این را سعادت می‌

شکر کنی! این قضیه گذشت تا اینکه بعد از دو روز من خودم نزد برادر انفرادی رفته و با او صحبت کردم و درباره این قضیه سؤال کردم و آن بزرگوار گفتند: آقای خوراکیان فردی است محروم دوست، مردم‌دوست اگر در پشت خط باشد و در عملیات شرکت نکند به درد انقلاب و مردم محروم و مستضعف بیشتر می‌خورد. من به این دلیل گفتم که در این عملیات شرکت نکند و بماند. سرانجام با واسطه آقای اکبری که فرمانده گروهان بود، آقای انفرادی راضی شد که مجتبی در عملیات شرکت کند. همین که این خبر به مجتبی رسید از خوش حالی در پوست خود نمی‌گنجید. شب قبل از عملیات دعای توسل بر گزار شد. مجتبی بسیار شکرگزار می‌کرد و اشک می‌ریخت و این را سعادت می‌

قبل از عملیات کربلای ۵ شهید انفرادی فرمانده گردان پیدا... کادر گردان را جمع کرد و درباره عملیات برایشان گفت. بعد از اینکه سخنان ایشان تمام شد چند دقیقه‌ای به صورت خصوصی با برادر خوراکیان صحبت کرد. بعداً من مشاهده کردم که مجتبی با چشم گریان از چادر فرماندهی خارج شد، من از روی کنج‌کاری دنبال ایشان رفتم و پرسیدم: آقای خوراکیان چرا ناراحتی؟ گفت: برادر انفرادی می‌خواهد کاری بکند من را از اتصال با بی بی فاطمه الزهرا (س) خارج کند. من دوست دارم این اتصال برقرار باشد ولی آقای انفرادی مانع می‌شود و می‌گوید تو نباید در این عملیات

واقف شهید

خاطره‌ای از

علیرضا قاسمی،
هم‌رزم شهید مجتبی
خوراکیان

محمد تاتاری تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱۵ تاریخ شهادت: ۱۳۵۸/۱/۱۳ محل شهادت: لرزه‌تاتاله اکبر نام گلزار: خواجه ربیع	محمد اصغری تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۲/۲۱ تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۱/۱۳ محل شهادت: میمک نام گلزار: خواجه ربیع	محمد جمالی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۸/۳۰ تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۱/۱۳ محل شهادت: میمک نام گلزار: حرم مطهر	غلامحیدر پاک‌سیر تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۵/۱۰ تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱۳ محل شهادت: شلمچه نام گلزار: بهشت رضا	اسداله شیدا نام پدر: گل محمد تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱۲/۲۸ تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱۴ محل شهادت: شلمچه نام گلزار: خواجه ربیع	محمدرضا احمدیان حسینی تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۶/۲۰ تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۱/۱۴ محل شهادت: راه‌آهن نام گلزار: خواجه ربیع
--	--	---	--	--	---

۱۲ بهمن ۱۳۶۴

منطقه عملیات:

جنوب- فاو

نوع یا نام عملیات:

آفندی- والفجر ۸ یا زهرا (س)

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش، نیروی دریایی، هوانیزور، سپاه و

پشتیبانی توپخانه

نتیجه عملیات:

۴۰ کشته و زخمی، انهدام ۳ انبار مهمات و ۴ سنگر اجتماعی و انفرادی و انهدام تعدادی سلاح‌های سبک و سنگین و عقب‌نشینی دشمن

۲۰ بهمن ۱۳۶۳

منطقه عملیات:

غرب- میمک

نوع یا نام عملیات:

پدافندی- میمک

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش

نتیجه عملیات:

۴۰ کشته و زخمی، انهدام ۳ انبار مهمات و ۴ سنگر اجتماعی و انفرادی و انهدام تعدادی سلاح‌های سبک و سنگین و عقب‌نشینی دشمن

۱۷ بهمن ۱۳۶۱

منطقه عملیات:

جنوب- فکه و چزابه

نوع یا نام عملیات:

آفندی- والفجر مقدماتی (کربلای ۱۱) یا ...

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش، هوانیزور و سپاه

نتیجه عملیات:

۲۵۰۰ کشته و ۱۱۳۰ اسیر، انهدام تیپ ۱۱ زرهی و تیپ ۷۷ یک گردان از تیپ ۵۵، یک گردان کماندویی و ۲ گردان از ارتش خلقی، انهدام ۱۰ دستگاه تانک و ۱۰ دستگاه نفربر

۱۷ بهمن ۱۳۶۰

منطقه عملیات:

جنوب- چزابه

نوع یا نام عملیات:

پدافند

یگان‌های شرکت‌کننده:

ارتش، هوانیزور و سپاه

نتیجه عملیات:

۱۹۰ اسیر علاوه بر ۲۰۰۰ کشته و زخمی، انهدام یگان‌های زرهی دشمن و ۱۱ دستگاه تانک و نفربر، ۷ عراده توپ، ۷ دستگاه خودرو

شهادی
هفته